

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید محمد کاظم طباطبایی، مؤلف کتاب
«موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية»

فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، دوره هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۷، صفحه ۱۱-۲۵

بسمه تعالی

معرفی

حجة الإسلام و المسلمین سید محمد کاظم طباطبایی، مؤلف کتاب
«موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية»، از اساتید و
پژوهندگان نامدار دانش حدیث در دوران معاصر است که تا به امروز آثار
بسیاری را به حوزه دانشی حدیث اسلامی تقدیم کرده است. «مبانی
شناخت حدیث»، «تاریخ حدیث»، «منطق فهم حدیث»، و درسنامه های
حدیثی و مقالات متعدد در دانش حدیث، از آثار قلمی اوست. طباطبایی
در تدوین دانشنامه های حدیثی بسیاری چون «دانشنامه قرآن و حدیث» و
همچنین تحقیق و تصحیح آثار حدیثی بسیاری نقش آفریده است. «مدارک
فقه أهل السنة علی نهج وسائل الشیعة» از آثار وی در تدوین متون حدیث
فقهی است که برگزیده ی همایش بین المللی تجلیل از آثار تقریبی گردیده
است. وی از اساتید حوزه علمیه قم است که ریاست پژوهشکده علوم و
معارف حدیث و همچنین ریاست دانشکده علوم حدیث را در قم بر عهده
دارد.

«موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية» پژوهشی جامع در
حدیث فقهی است که حجت الاسلام و المسلمین طباطبایی آن را به
همکاری سید محمد حسن حکیم و گروه فقه و حقوق پژوهشکده علوم
و معارف حدیث برای شورای برنامه ریزی مدارس اهل سنت در دست انجام
دارد. از این موسوعه تا کنون ۲ مجلد از «کتاب الطهارة» با عنوان «الطهارة
الشرعية» در شورای برنامه ریزی مدارس اهل سنت به چاپ رسیده است.
به بهانه انتشار این اثر با سید محمد کاظم طباطبایی به گفتگو نشستیم ...

بفرمایید موسوعه احادیث فقهیه به دنبال چیست ؟

مسلمانان و در رأس آن ها اهل بیت علیهم السلام و اصحاب نبی مکرم
اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آغازین روزهای اسلام، تقارن میان
کتاب الهی و سنت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به روشنی

دریافته و بر حفظ و تعبد نسبت آن به عنوان مصادر احکام الله پای فشرده اند.

این مهم در سیره و رفتار اهل بیت علیهم السلام نمودی جدی و پر رنگ دارد. و همواره التزام به سنت مورد تصریح و تأکید قرار گرفته، تا حدی که ترک کننده سنت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم کافر تلقی شده است. اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز در بیان و عمل التزام خود به سنت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را به تصویر کشیده اند.

این امر عظیم یعنی تمسک و التزام به سنت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مصدر تشریح احکام دین اسلام، به واسطه ی بیانات بسیاری که از اهل بیت علیهم السلام و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده به نسل های پسین منتقل گردیده و رویکرد جدی تری به خود گرفته و با تلاش عالمان مسلمان تا به امروز جریان یافته و چنان دقیق و گسترده شده که دامنه ی علمی وسیعی را به خود تخصیص داده است.

به تبع این جایگاه ویژه سنت نبوی در کنار کتاب الهی، در میان مذاهب اسلامی منابع مهم و متقنی به جمع آوری و تدوین گزارشات وارده نسبت به سنت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته اند. این مهم از همان دوران اهل بیت علیهم السلام و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به صورت پیگیر ایجاد شده و تا به امروز جریان یافته است. بهره گیری از تمامی گزارشات ثبت شده نسبت به سنت در این منابع معتبر نزد مذاهب اسلامی اهتمام جدی پژوهش «موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية» است.

مطالعه و مرور این منابع نشان می دهد که هر منبع علمی که در مذهبی تدوین شده ابعادی از گزارش سنت را به طور جدی مورد اهتمام قرار داده

که گاه توسط نگارنده ی دیگر کمتر مورد اهتمام بوده است. کنار هم قرا گرفتن نتایج این پژوهش های مبنایی می تواند ابعاد مختلف و زوایای گوناگون سنت را در اختیار فقیه بصیر قرار دهد.

«موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية» تلاش پژوهشی جدیدی است که با پیش فرض قرار دادن تلاش های گسترده دانشمندان اسلامی از مذاهب و نحله های گوناگون اندیشه ای بر حفظ سنت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و گسترش آن در میان مسلمین، به بازخوانی و جمع آوری حداکثری متون گزارشگر سنت می پردازد.

با وجود منابع موجود در حدیث فقهی که اشاره هم فرمودید این بازخوانی و جمع آوری حد اکثری چه ضرورتی دارد و چه فایده ای بر آن مترتب می شود ؟

دست یابی به سنت و پیراستن آن از شائبه های ناصحیح همواره مورد اهتمام اندیشمندان اسلامی بوده و هست. این مقصود در قالب آداب نگاری برای أخذ و نقل حدیث و تبیین ظرافت های حدیثی در منابع فراوانی تدوین شده است . چراکه حیات و زندگی مؤمنانه انسان ها در گرو صحت مستندات احکام فقهی است.

گزارش های سنت به عنوان دومین مصدر استنباط احکام در گذار تاریخی اش تا به امروز آسیب های جدی و صدمات فراوانی را به خود دیده است. مذاهب و نحله های گوناگون اسلامی هر یک با ابزارها و توان علمی خود برای دفع آسیب ها و جلب حداکثری گزارش های صحیح سنت تلاش نموده اند. این مهم گاه با حاشیه نگاری در قالب اعتبار سنجی متون یک مصدر یا تجمیع متون معتبر مصادری چند ، با دو رویکرد « ضعیف نگاری » و « صحیح نگاری » نسبت به مصادر اصیل ، پدیدار می شود .

این پژوهش نیز تلاش دارد تا بخشی از آسیب های موجود در دسترسی به سنت را رفع نماید. این آسیب زدایی را می توان در دو بعد درون دینی و برون دینی مورد اشاره قرار داد :

الف : در بعد درون دینی :

۱. غنی سازی مستندات بحث فقهی در حوزه ی حدیث و سنت با بهره گیری از تمامی ظرفیت حدیث فقهی میان مذاهب اسلامی

از جمله آسیب های موجود در حوزه ی حدیث فقهی، تک بعدی بودن مبانی و طرق دستیابی به سنت میان مذاهب اسلامی است. این امر منجر به آن شده که تصویر رایج از عمده ی احادیث گزارشگر سنت، تصور اخبار آحاد گردد. این در حالی است که مطالعه ی تطبیقی منابع حدیث فقهی میان مذاهب اسلامی این حقیقت را نمودار می کند که بسیاری از متون گزارش گر سنت در پرتو بهره گیری از نقل های متعدد موجود در منابع حدیثی به حد استفاضه می رسد و اعتماد بر مضمون آن را پدید می آورد. این مهم نمودی جدی از تعاضد نصوص گزارشگر سنت در میان مذاهب اسلامی برای رفع نقصان اخبار است که مبتنی بر بهره گیری از تمامی ظرفیت حدیث فقهی میان مذاهب اسلامی تأمین می گردد.

۲. بازسازی فضای صدور و قرائن پیرامونی نص

بازخوانی دوران نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دوران متصل به زمان آن حضرت که همان دوران اهل بیت علیهم السلام و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تابعان ایشان است ؛ در حوزه ی تبادل اندیشه و تعامل دانشی، فارغ از ابعاد سیاسی و حکومتی ؛ نماد حقیقت دانش محوری در اندیشه ی دینی است. چنانکه انسان هایی فرهیخته و دانشمند از ملت ها و فرهنگ های گوناگون با اتفاق بر کتاب و سنت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، همگی به تولید و ترویج دانش دینی و احکام الهی پرداخته و اوج التزام به احکام الله را به

تصویر کشیده اند. مرارت ها و جنگ و محنت های اجتماعی و سیاسی، هیچگاه ایشان را از تعامل دانشی و تبادل اندیشه ای باز نداشته است.

مطالعه ی داشته های مذاهب اسلامی در حوزه ی آراء اندیشمندان و ائمه ی مذاهب به روشنی هر خواننده ای را به نظارت اندیشه ها نسبت به یکدیگر و تلاش اندیشمندان بر تحفظ نسبت به سنت نبی مکرم صلی الله علیه و آله وسلم و نقد و بحث پیرامون آن رهنمون می سازد.

اما امروزه فاصله ها و دوری هایی که در دوره های مختلف تاریخی تابع توطئه های حکام و دشمنان اسلام میان مذاهب اسلامی واقع شده مانع از آن شده که نتایج این تلاش ها میان مذاهب اسلامی به اشتراک گذاشته شود. این مشکل منجر به پراکندگی گزارشات سنت شده است. یکی از آسیب های این پراکندگی محرومیت از فوائد، قرائن و یا حتی گزارشی خاص است که نزد نحله ای دیگر موجود است. محرومیتی که نتیجه قهری آن فهم ناقص و یا ناصحیح از متن و گزارش سنت است.

این نکته ضرورت بازخوانی متون گزارشگر سنت را از تمامی منابع اصیل مذاهب اسلامی ضروری می نمایاند. چراکه نتیجه طبیعی آن بازسازی فضای صدور نص است. در پی بازسازی فضای صدور نص، قرائن و اشارات موجود در گزارشات نیز نمایان می گردد. این قرائن و اشارات فقیه را در فهم هرچه بهتر و دقیق تر نص یاری می رساند و مقصود بیان را به او می نمایاند.

۳. بستر سازی برای همگرایی اندیشه ی فقهی در اسلام

اختلاف در مبانی و تفاوت در استنباط و نتایج تابع آن از لوازم جدا نشدنی هر حرکت دانشی است. این مهم از نمادهای پویایی و تحول در مسیر دانش محسوب می گردد. اما گاه برخی اختلافات ناشی از تفاوت در مقدمات است. مقدماتی که دچار نقصان و خلل باشند به طور طبیعی اختلافی بی مورد را رقم خواهند زد.

مطالعه ی تطبیقی مستندات بحث فقهی یا همان احادیث گزارشگر سنت، قرائن بسیاری را تابع فضای صدور احادیث در اختیار فقیه قرار می دهد. افزون بر قرائن صدوری این مطالعه تطبیقی فرصت اندیشیدن در عرصه ای واحد با تمامی ظرفیت حدیثی اسلامی را نیز در اختیار فقیه می گذارد.

این مهم به فقیه کمک می کند تا با نگاه نافذ و دقیق خویش مبتنی بر مبانی متقن نزد او حدیث اسلامی را در ابعاد حقیقی آن نقد و بررسی نماید و محدود به قالب و یا بعدی خاص نماند. در این عرصه نگاه حدیث پژوهانه و مبانی حدیثی رنگ جدی تری یافته و بسیاری از فروع مورد اختلاف در حوزه ی مستندات با موازنه ای منطقی مرتفع خواهند گشت و اساسا اختلاف به مباحث جدلی در حوزه ی نتایج و خروجی ها منتهی نخواهد شد.

این همگرایی اندیشه ای میان عالمان مسلمان که تابع اندیشیدن در عرصه و فضایی مشترک، یعنی فضای حدیث اسلامی در ابعاد جامع و کامل آن با التفات به جمیع مذاهب شکل می گیرد، امری مبارک است که برکات آن در تحقق و پیشبرد جامعه ای با روحیه ی ایمانی و متعبد به احکام الله بی نهایت است.

ب : در بعد برون دینی

• دفع شبهات مستشرقان و منکران نسبت به حدیث اسلامی

حدیث یا همان گزارش سنت از محورهای اصلی مورد هجوم دشمنان اسلام و مستشرقان در نقد و استشکال نسبت به این دین حق است. در این حوزه نقد و اشکال چنان پیش رفته که برخی اساسا منکر حدیث اسلامی شده اند و اتهامات ناروایی را در امکان دست یابی به سنت نسبت به حدیث اسلامی روا داشته اند.

بخشی از این شبهات و اشکالات تابع نادیده گرفتن برخی پیش فرض ها در حدیث اسلامی واقع شده و برخی نیز تابع پراکندگی و چند دست بودن

منابع میان مذاهب اسلامی است که نسبت سنجی منابع، مبانی و متون را برای مستشرقان صعب و بلکه غیر ممکن نموده است.

این در حالی است که مطالعه ی تطبیقی منابع حدیث اسلامی و چینش همگون آن ها نه تنها برای فقیه مسلمان که برای مستشرقان و مراجعه کنندگان به حدیث اسلامی از ادیان و نحله های اندیشه ای نیز فواید فراوانی را دربر خواهد داشت. از جمله این فواید نمایش ابعاد حقیقی حدیث اسلامی، تبیین مناسبات میان گزارشات سنت و جلوگیری از بهانه جویی شبهه افکنان در نفی و انکار کلی حدیث اسلامی است.

مطالعه ی تطبیقی حدیث اسلامی افزون بر تبیین حجم کثیری از مسلمات سنت می تواند در موارد دیگر نیز قرائن فراوانی را در اختیار پژوهندگان قرار دهد تا دست از تحلیل ناقص نسخه شناسانه برداشته و با بهره گیری از مجموع قرائن نص به تاریخ گذاری و تبیین مناسبات احادیث بپردازند. چینش مفاهیم متناظر به هم در میان تفاوت و اختلاف اندیشه ای و عملی میان مذاهب اسلامی می تواند مناسبات جدیدی را در تحلیل و تاریخ گذاری حدیث اسلامی ایجاد کند.

مذهب و لزوم تحفظ بر آن جایگاه بی بدیلی دارد. نسبت این جامع نگاری با حفاظت بر ملاکات و مبانی مذهبی مسلمین چیست؟

در کنار ضرورت ها و کارکردهای پژوهش «موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية» ظرافت ها و دغدغه هایی نیز وجود دارد که باید مورد دقت و تذکر قرار گیرد. یکی از امور مهمی که باید مورد التفات جدی قرار گیرد نقش بی بدیل مذهب در فرایند شکل گیری و تکامل حدیث اسلامی است. نگاه مذهبی در گذار سالیان بسیاری که بر اندیشه ی اسلامی گذشته، با اهتمام به پالایش و پیراستگی حدیث اسلامی طرق و مسیرهای دست یابی سلیمی را در حدود چهارچوب های مذهبی طراحی نموده و از ورود مصادیق نامعلوم و موارد مشکوک، جلوگیری نموده است. مبانی

اعتبار سنجی حدیث نزد هر مذهب، مبتنی بر قواعد منضبط و دارای امکان صحت سنجی، گویای نقش مذهب در پالایش متون و منابع است.

تلاش اصحاب هر مذهب در تدوین منابع حدیث مبتنی بر مصادیق شناخته شده و قابل ارزیابی در حدود مذهبی، منابعی متقن و قابل اتکاء را پدیدار نموده که می تواند قدر متیقن های خوبی را در اختیار پژوهندگان حدیث قرار دهد.

تفاوت فرهنگ ها میان مذاهب اسلامی با توجه به شرایط زمانی و مکانی و ظروف ویژه ی هر مذهب افزون بر دقت های صحت پژوهانه در اعتبار سنجی و تدوین جوامع حدیثی، در شرح و فهم حدیث نیز نقش آفرینی جدی داشته و دارد. چنانکه گاه زوایای مختلف بحث و دقت های ویژه نسبت به ابعاد مختلف نص، تابع شرایط فرهنگی و نیازهای عرفی، بروز و ظهور جدی تری نزد یک محقق می یابد؛ در حالی که ممکن است این ابعاد، التفات دیگری را به خود جلب ننماید. همین تفاوت در دقت ها هنگامی که در کنار هم قرار گیرد می تواند نگاه جامع به نص را متحقق سازد.

بر این پایه در این پژوهش تلاش بر آن است که با احترام و اهتمام نسبت به حفظ پیش فرض های موجود در فرایند شکل گیری منابع حدیث فقهی نزد مذاهب اسلامی، به جمع آوری حداکثری متون حدیثی فقه از منابع متقن پرداخته، گزارش جامعی را از وضعیت موجود و بازتاب شایسته ای را از تلاش های عالمانه در مسیر تکامل حدیث فقهی به مخاطبان عرضه کند.

در حقیقت این پژوهش در پی آن است که نقص موجود در دسترسی جمیع مسلمین به حاصل تلاش علمی عالمان مذاهب را برطرف کرده و امکان به اشتراک گذاری نتایج را تولید کند. این مهم از آن روی است که در آینده با کارهای موازی و تکرار پژوهش های پیشین کمتر مواجه شویم و عالمان مسلمان بتوانند با مراجعه ای جامع، نقاط نیازمند به پژوهش را از

موارد دیگر تفکیک نموده و بر اساس داشته‌ی علمی واقعی و جامع، مراتب و مراحل آتی فرایند تکامل حدیث اسلامی را بپیمایند.

با توجه به حساسیت حوزه‌ی دانشی فقه، جامعیت و اعتبار متون را چگونه می‌توان تأمین کرد؟

طبیعت جامع‌نگاری اقتضای فراهم آوردن حداکثر متون مرتبط با موضوع را دارد. اهمال و کاستی نسبت به متن یا گزارشی می‌تواند جامعیت یک اثر بنیادی این چنین را خدشه دار کند. از این روی تلاش ما در این نگارش بر آن است تا تمامی منابع حدیثی فریقین را مورد دقت و مطالعه قرار دهیم تا حداکثر متون مرتبط با موضوع را گردهم آریم.

در کنار نگاه حداکثری به جمع‌آوری متون که طبیعت جامع‌نگاری است، توجه به یک ظرافت علمی در این خصوص نقش آفرین است؛ و آن نکته این است که جمع‌آوری هر رطب و یابسی و کنار هم گذاردن هر متنی با هر درجه اعتبار و اهمیت، آفاتی چون تطویل بی‌مورد را گاه در پی خواهد داشت. گاه این تطویل چنان افزون می‌گردد که خواننده را نسبت به اصل تدوین چنین جامع بی‌حد و اندازه‌ای دچار تردید می‌کند. در حقیقت در کنار تجمیع حداکثری باید کاربری و میزان افاده، به عنوان شاخص و حد توقف در نظر گرفته شود.

مطالعه و بررسی نگاشته‌های حدیثی عالمان مسلمان نمایانگر چنین دقت‌هایی است. چنانکه در ضمن نگارش‌های حدیثی در عین جامع‌نگاری محور پژوهش گاه بر مدار موضوعات و عناوین، گاه بر پایه منابعی مشخص، گاه نیز بر اساس مرفوعه بودن یا موقوفه بودن روایات و اسناد و طرق روایت و... بوده است. شاید بتوان گفت جدی‌ترین حدی که برای جامع‌نگاری‌ها تا کنون مورد دقت قرار گرفته است، اعتبار سنجی‌های سندی و اتکای به رجال الحدیث است.

در این میان هر مؤلف آگاه و دانش مداری مبتنی بر تلاش های علمی خویش و با اتکای به حاصل علمی و دستمایه ی خویش از شناخت رجال الحدیث به نقد و بررسی گزارش های حدیثی پرداخته و جامعی متقن را پدید آورده است. این در حالی است که محققى دیگر با اندک تفاوتی در مبانی جامعی دیگر را پدید آورده که اگرچه میان این دو جامع اشتراکات فراوانی هست، اما اختلافات آن دو نیز هر کدام در ابعادی ناقص اعتبار سنجی دیگری است. این پدیده نه در میان مذاهب مختلف بلکه در یک مذهب و میان دو اندیشمند هم مذهب نیز روی داده است. افزون بر آن، دیگر عالمان هم مذهب ایشان نیز تمامی حاصل تلاش علمی یک عالم را در تدوین جامعی حدیثی به شکل مطلق نمی پذیرند و هر یک با مبانی رجالی خود به نقد و نقض جامع حدیثی عالم هم مذهب خود می پردازند و از میان نتایج حاصل آمده نصیبی را برای خود بر می گزینند. این پدیده نمونه هایی از نگاشته های حدیثی هر مذهب را به خود اختصاص داده است.

تعدد و تنوع در مبانی رجالی نسبت به شرایط قبول و نقد حدیث میان مذاهب اسلامی و بلکه میان عالمان مسلمان حتی در یک مذهب کار جامع نگاری حدیث فقهی را میان مذاهب اسلامی سخت و غیر ممکن می نمایاند. چراکه هر متن حدیثی ممکن است در معرض تعارض یا تراحم با مبنایی خاص قرار گیرد و از حد اقل اعتبار خارج شود. نتیجه ی مراعات تمام مبانی مفهوم جامع نگاری را بی معنا می کند و آن را به حداقل های معتبر تقلیل می دهد و بی اعتنایی به مبانی رجالی ارزش علمی این تلاش را مورد خدشه قرار می دهد. از سوی دیگر گزینش مبنایی خاص و سنجش همه ی احادیث و گزارش ها مبتنی بر آن نیز جامع حدیثی پدید آمده را تبدیل به جامعی شخصی و مفید برای فرد یا گروهی خاص می کند و مانع اعتماد و اتکای دیگران بدان خواهد شد.

از آنجا که هدف اصلی در این پژوهش جامع نگاری حدیث فقهی در اسلام است و این مهم با نگاه رجالی به حدیث و اعتبار سنجی های سندی بر اساس آن چه ذکر شد حاصل نمی گردد، باید جایگزینی را یافت که در عین حفظ جامعیت این پژوهش حداقل هایی از اعتبار را که عادتاً مورد اهتمام عالمان مسلمان است تأمین کند و مانع از ورود متون بلا استفاده و مورد اعراض همگان در این جامع شده و تطویل نابه جا را رفع کند.

در کنار اعتبار سنجی سندی احادیث نوعی التفات میان عالمان مسلمان از مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد که بر صحت سنجی متون حدیثی اثر گذار بوده و هست. این التفات ناظر به منبع حدیثی و اهمیت آن در یک مذهب است. در حقیقت یک نحوه ترجیح میان متون حدیثی تابع اعتبار مصدر گزارشگر آن وجود دارد. بدیهی است که اعتبار یک مصدر در یک مذهب یا در یک حوزه ی دانشی تابع عوامل متعدد پدیدار می شود، اما پس از شیوع اعتبار یک مصدر عمده ی تلاش های علمی پیرامون آن شکل می گیرد و به ندرت به مصادر کم اعتبار و مورد اعراض رجوع می شود. اگرچه ممکن است در مصدري کم اعتبار نیز حدیثی معتبر یافت شود.

در میان مکتوبات و منابع و مصادر هر مذهب می توان منابعی را بر شمرد که اهتمام جدی اهل مذهب و عالمان آن مذهب را نسبت به نقل و نقد متون حدیثی به خود اختصاص داده است. این گونه مصادر اگرچه ممکن است در میانشان متونی ضعیف به لحاظ سندی و رجالی نیز یافت شود اما به جهت دارا بودن نسبت معتنابهی از عوامل اعتبار نزد اهل مذهب جایگاهی ویژه یافته اند.

اتکای بر منابع معتبر نزد اهل مذهب می تواند فاکتور مهمی تلقی گردد که در عین حفظ جامعیت نسبت به این پژوهش حداقل های اعتبار را نیز برای این نگارش در پی داشته باشد.

البته از این نکته نباید غافل ماند که ورود یک متن در منبعی مورد اعتبار نزد یک مذهب به معنای تصحیح آن متن و یا انعکاس حکم فقهی مبتنی بر آن نسبت به یک مذهب نیست. چراکه از گزارشات حدیثی تا انتساب محتوی و نتایج به یک مذهب فاصله ای بسیار از بحث علمی وجود دارد که حرکت استنباطی آن مذهب تلقی می شود و البته خارج از موضوع این پژوهش است. این پژوهش به هیچ عنوان به دنبال تحمیل یک مبنا و یا انتساب ناصحیح یک محتوی به هیچ گروه و مذهبی نیست. بلکه به دنبال گزارشگری نسبت به حجم واقعی حدیث اسلامی است.

اما با این وجود هم حتی این دغدغه باقی می ماند که برخی متون ضعیف در این جامع حدیثی وارد شود؛ این نکته را چگونه می توان جبران نمود؟ توجه به این مهم که مخاطب این جامع نگاری حدیثی فقیهان و عالمان مسلمان هستند در تبیین کیفیت جبران ورود مواردی از احادیث ضعیف و لو به تعدادی اندک، در این پژوهش نقشی جدی دارد. از آنجا که هر فقیه متناسب با مبانی رجالی و حدیثی خود به یک جامع حدیثی مراجعه و از آن بهره گیری می کند، نه تنها ورود برخی متون ضعیف را بلا اشکال می کند، بلکه فوایدی را نیز در پی خواهد داشت. از جمله ی فواید آن برای فقیه صاحب مبنا می توان به یافتن قرائن صدق و کشف همگرایی یا تفاوت های میان متون گزارشگر سنت و همچنین یافتن قرائن ضعف و اسباب تنافر یک متن اشاره نمود.

در حقیقت این پژوهش با التفات به تعدد و تفاوت مبانی رجالی و حدیثی میان عالمان مسلمان و با احترام به تمامی این مبانی تنها به دنبال تسهیل دسترسی فقیه به متون حدیث فقهی با حداقل های اعتباری مقبول نزد مذاهب است. ما این حق را برای هر فقیه مسلمان از هر مذهب اسلامی محفوظ می داریم که خود با مبانی خویش به بررسی و صحت سنجی گزارشات پرداخته و مبتنی بر فرایند استنباط مقبول نزد خود به بهره گیری از حدیث اسلامی بپردازد.

در باب ساختار بحث فقهی و تفاوت های میان مذاهب چگونه عمل کرده اید ؟

بحث فقهی از دوران های نخستین تا به امروز به دنبال تلاش های عالمان مسلمان سازمان و نظام ویژه ای یافته که در پرتو آن تتابع فروع از اصول، مراتب بحث علمی و کیفیت دسترسی به فروع عدید این دانش تحقق می یابد.

روشن است که ساختار بحث فقهی در گذار سالیان بسیار تحولات و تغییرات مهمی یافته و در هر دوره ای نکته ها و دقت هایی را تابع تلاش های عالمانه بهره برده که کاربری و افاده آن را تکامل بخشیده است.

مطالعه ی سیر تحول ساختار بحث فقهی می تواند ظرافت های تبویب فقهی و نقاط اساسی تحول را در اختیار پژوهندگان معاصر قرار دهد. در این مطالعه افزون بر ظرافت های تبویب می توان قدر متیقن ها و امور ثابت در تبویب فقهی را نیز شناسایی نمود. قدر متیقن های ساختاری در بحث فقهی همان چهارچوب اساسی فقه است که تخلف از آن ماهیت اثر فقهی را تحت تأثیر قرار می دهد. در حقیقت تولید جدید در حوزه ی تبویب فقهی امری است که کمتر مورد پذیرش و اقبال فقیهان قرار گرفته است. و این بدان جهت است که امکان دسترسی به مباحث و ردیابی آن را در منابع گذشته مشکل می نماید. این قدر متیقن های ساختاری، در حوزه ی مقارنه میان مذاهب اسلامی و با توجه به تفاوت های فرهنگی و زمینه های علمی متنوع در این میان اهمیتی دو چندان می یابد.

از آنجا که در این پژوهش - موسوعة الأحادیث الفقهية عند المذاهب الإسلامية - جمع آوری حداکثری متون گزارشگر سنت در میان مذاهب اسلامی به منظور بهره گیری هر چه بیشتر عالمان و فقیهان مسلمان از تمامی حدیث اسلامی مقصود است ؛ کیفیت ارائه و ساختار بحث فقهی ای که مبتنی بر آن متون تقسیم و توزیع می گردند حساسیت ویژه ای می یابد.

این حساسیت ویژه را در دو جهت می توان اشاره نمود :

- اول : از جهت تولید جدید و ساختار سازی ابداعی است.

در تدوین موسوعه ای جامع در حوزه ی حدیث در فضای عام اسلامی که فضای مشترک مذاهب محسوب می گردد، ابداع ساختار جدید آسیب های جدی به پژوهش می زند. آسیب هایی چون تغییرات خواسته یا ناخواسته میان مناسبات بحث فقهی، محدودیت در امکان دسترسی، خروج از عرف فقهی و... که نتیجه قهری آن بی ثمر ماندن پژوهش از جهت بهره گیری مخاطب است.

- دوم : مبنا قرار دادن ساختار بحث فقهی در یک مذهب بدون اعتنا به مذاهب دیگر

تفاوت فرهنگی، تفاوت در پیش فرض های فقهی، تفاوت در نوع تفریح و همچنین تفاوت در کیفیت توزیع فروع فقهی در میان مذاهب اسلامی همگی از عوامل تأثیر گذار بر تفاوت های ساختاری بحث فقهی میان مذاهب اسلامی است که خود از نقاط امتیاز دال بر پویایی این دانش در میان مسلمین محسوب می گردد. التفات به این مهم امکان تدوین جامعی مبتنی بر ساختار بحث فقهی نزد یک مذهب و ترویج آن برای همه ی مذاهب اسلامی را مشکل و بلکه غیر ممکن می دارد. چراکه عالمان هر مذهب در نگاه اول انس با ساختار فقهی معهود در ذهن خود، مبتنی بر تبویب رایج در مذهبی شان دارند و تغییر در ساختار دسترسی به محتوا را سخت می نماید.

مبتنی بر این نکات نقش کلیدی قدر مشترک های ساختار فقهی در تدوین این جامع حدیثی روشن می گردد.

لذا ساختار بحث فقهی را اولاً در حوزه مدونات حدیث فقهی و به تبع آن در حوزه بحث فقهی میان مذاهب اسلامی مورد مطالعه قرار دادیم تا قدر مشترک های ساختاری را استخراج نموده و مبتنی بر آن ساختار جامعی را

برای این تدوین جامع طرح کنیم که در عین اجتناب از آفات مذکور دسترسی آسان عالمان و فقیهان اسلامی از تمام مذاهب را در پی داشته باشد.